

آفرینش از خاک

مژده جعفری

«خلق الانسان من صلصال كالدختر»
(خداوند انسان را از گل کوزه گری آفرید)

بدین منظور از سفال به صورتهای کندو، کپ و خمره و کوزه استفاده می‌شد.

هنگامی که سفال وارد مقوله هنر شد، با نقاشی روی آن، پیامها، خواسته‌ها، نیازها و اطلاع‌رسانی و در حقیقت انتقال اندیشه شکل گرفت.

چگونگی بیدایش سفال به همان جوامع اولیه برمی‌گردد که با گذر زمان از دوران جمع‌آوری غذا به اهلی کردن جانوران و نباتات پرداختند و به تدریج روستاهای کوچک پدید آمدند و کار کشاورزی رونق گرفت. تولید غذا موجبات ذخیره‌سازی غذا را فراهم آورد. این امر به وسایل و ابزار نیاز داشت و سفال یکی از این ابزارها محسوب می‌شد و سرانجام در یکی از این جوامع سفال خشن ابتدایی تولید شد.

پدیده سفال وقتی که پس از به‌وجود آمدن روستاهای اولیه به مرحله تولید اندک و انفرادی رسید، کالایی خشن و آمیخته با کاه و پوک بود که در آفتاب یا اجاق‌خانه نیم‌پخته شده بود. مشخصه این نوع سفالها، خمیره خشن، پوکی فوق‌العاده و اختلاط بسیار با کاه، نرمی و خرده‌علف و شن است. این سفالها در آفتاب یا اجاق‌خانه‌ها نیم‌پخته گردیده و فاقد هر گونه نقش و طرحی بوده‌اند. اولین تکه سفال در لایه نئولیتیک غار

سفال یکی از خلاقیت‌های ماندگار انسان از دوران نوسنگی و ماقبل تاریخ است که هیچ‌یک از مصنوعات و ساخته‌های فکر و اندیشه آدمی ز نظر ارزشی و فراوانی مواد اولیه در طبیعت به پای آن نمی‌رسد.

سفال یگانه مصنوعیتی است که اگر از خاک رس مرغوب و گل کاملاً ورز داده شده و ترشیده و تخلیه شده از هوا، شکل گرفته و در درجه حرارت مطلوب پخته شده باشد، هرگز فاسد و متلاشی نخواهد شد، ولی همانند سایر پدیده‌های طبیعی، بر اثر عواملی چون باران و برف و اشعه خورشید در طی قرون متمادی سائیده و هوازده خواهد شد.

اگر روی سفال نقوشی از لعاب یا اندودی اضافی روی پوسته باشد، این اضافات خیلی زودتر از هسته و خمیره فرسوده خواهند گردید.

کشف سفال به دوره‌ای می‌رسد که انسانها تمایل به تشکیل روستاهای اولیه را دارند و برای گذران زندگی به کشاورزی و دامپروری پرداختند، بنابراین برای ذخیره غذا و جمع‌آوری آن، نیاز به ابزارهایی احساس شد که

بیستون گزارش شده و در غار هوتو و کمر بند به شهر نیز نخستین تکه سفالهای سست و پوک به دست آمده که پدیده‌ای از اولین سفالها بوده است. قدمت این سفالها به موجب آزمایشها و ارقام رادیو کربن، حدوداً به ۷۰۰۰ تا ۸۶۵۰ سال قبل از میلاد برمی گردد.

پخت سفال ابتدا در اجاق خانه به صورت نیم پخته بوده، سپس به تدریج اجاق پخت سفال را بیرون از خانه و در فضای باز احداث کردند و هدف، دستیابی به تولید انبوه سفال بوده است.

در این راستا ابتدا اجاقهای بزرگتر به صورت چهار گوشه و در فضای باز ساختند و سفالینه‌ها را در این اجاقها، که به ابعاد ۲۰۰×۳۰۰ سانتی متر و کف آنها همسطح زمین اطراف بود، می چیدند و روی آن را با گرده‌های تاپاله به صورت هلالی می پوشاندند و آتش می زدند. در نتیجه تماس مستقیم زبانه‌های آتش سرکش با سفالها، بعضی گداخته و برخی نیم پخته و کربونیزه باقی می ماندند.

بالاخره این تولیدات انبوه، محصولاتی ناقص با ضایعات فراوان بود. با این حال، به تدریج و با همین وضع سفالینه‌ها را به نقوش هندسی ساده می آراستند و در بیشتر مواقع پوسته سفال را با دوغاب غلیظی از رس اندود می کردند. طرحهایی مشابه اجاقهای چهار گوشه فضای باز با عنوان «کوزه سفال» و نه اجاق فضای باز در لایه II تپه قبرستان دشت قزوین و جعفرآباد شوشان او نیز سیلک گزارش شده است.

در دوره‌های بعدی، سفالگران رفته رفته با افزایش تجربه، موفق به تکمیل کوره‌ها شده، اتاق پخت سفال را از چال آتش جدا کردند و با لگدکوب کردن و مشت زدن و ورز دادن گل، تمام حبابهای هوا را از چانه گل خارج و آن را آماده شکل پذیری بیشتر کردند. پس از شکل دادن و خشک شدن سفال، رابطه‌های کاری می کردند و با دوغاب رقیقی از رس روی آن را به پوشش نازکی (اسلیپ) اندود کردند. علاوه بر آن سفال و پوسته مختلف سفال را به نقشها و خطوط هندسی آراستند و به تدریج این نقشها را به تصاویر جانوری و گیاهی مشبک تبدیل کرده، سفال را متحول نمودند.

باز هم گذشت زمان و اندوختن تجربه باعث شد که کوره سفالیزی کاملتر شود و به صورت دو طبقه شکل گیرد. چال آتش و مخزن سوخت آن در جهت باد موافق قرار گرفت و سکوی مشبک و جایگاه سفالینه‌ها به صورت سقفی بر بالای چاله آتش تعبیه شد. در هر نوبت پخت سفال، سقفی موقت بر روی این سکوی زده می شد و در بالاترین نقطه این سقف منافذی برای خروج دود و گازهای حاصله ایجاد شده بود و در پایان هر بار پخت

سفال. بخشی از این سفال گنبدی را خراب و سفالینه‌ها را خارج می کردند. از کوره‌های سفالیزی ابتدایی در دوره نوسنگی یاریم تپه ادر گرگان و حسونای عراق، طرحی در دست است و طرح و گزارشهایی نیز از اجاقهای اولیه پخت سفال در فضای باز از میدان باستانی سیلک I و کاشان، تپه قبرستان II (هزاره چهارم ق م) و جعفرآباد شوش در دوره شوشان وجود دارد. قابل ذکر است که در ابتدا هزاره چهارم قبل از میلاد، سفالینه‌های نخودی رنگ منقوش جای سفال اخرایمی منقوش را می گیرد و در قبرستان دوره II، محصولاتی مشابه سیلک ۵-۱۱۱۴ و شوش II و پاکون A، از نظر خمیر، پوسته و نقش تولید می شود. این سفالهای نخودی رنگ منقوش در حد فاصل این میدانها در لایه فوقانی اسماعیل آباد موشه‌لان در تپه ایربولوغ واقع در ۵۰۰ متری آن کشف شده که در متن با مدارک مستند به آن خواهیم پرداخت.

پدیده سفال دست ساز خشن بدون نقش و ساده، طی دوران تحول و تکوین خود در میدان باستانی پراکنده در گستره این سرزمین، مراحل متعددی را پشت سر نهاده و تحت نامهایی از قبیل استقرارهای بدون سفال [۳۳]، سفال پوک و سست (ابتدایی)، سفال ساده بدون نقش خشن و آمیخته با کاه و دارای نقشهای هندسی مشخص

گردیده است. سفالهای اولیه و ابتدایی دست ساز، دارای کاه و بعضاً خرده علف و موی بز بوده‌اند تا در مراحل نخست پس از شکل گیری و خشکیدن در آفتاب یا سایه ترک بر ندارند.

برخی از باستان شناسان مشهور بین المللی معتقدند که پیدایش اولین سفالهای سست و نرم، حاصل نخستین مراحل استقرار روستایی بوده است، مرحله‌ای که انسان ناگزیر به ذخیره سازی انواعی از خوراکیهای خود و چارپایان اهلی شده‌اش و به تولید غذا اقدام کرده است. در جنوب غربی ایران بررسیهای در خوزستان و دهلران طی دهه‌های اخیر منجر به شناسایی استقرارهای پیش از دوران سفال گردیده است. از جمله دوره پیدایش سفالهای ابتدایی در علی کش، بزم رده، چغانبوت، چناسفید و محمدجعفر، که دهکده‌ای از دوران نوسنگی در ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد ثبت گردیده، بوده است. در دوره E که قدیمیترین لایه گنج دره محسوب می شود، یک قطعه سفال ساده اجاقی پخت یا آفتاب پخت یافت شده است که بر اساس آزمایش رادیو کربن مربوط به ۸۴۵۰±۱۵۰ سال قبل از میلاد بوده است. سفال مذکور



که خاکستری رنگ و آمیخته با گاه و مواد آلی بوده، منحصراً به فرد و مربوط به همان لایه تشخیص داده شده است.

نوع دیگر سفالها که کوچکتر ساخته شده و عموماً شکسته بوده‌اند، به اشکال مختلف گروهی و شامل گلدانهای کوچک و کاسه‌های کم عمق و بشقاب و به رنگهای قهوه‌ای و سیاه و بدون نقشند. با این حال عموماً در اجاق خانه یا آفتاب نیم‌پخته گردیده و در خمیره آنها خرده سنگ آهک، گاه و سایر مواد آلی وجود داشته و طی یک حادثه آتش‌سوزی در همین لایه با حرارت سرکش آتش اندکی استحکام یافته‌اند. بنابراین در مجموعه اندک اولین سفالهای دست‌ساز اجاق پخت یا آفتاب‌پخت، باید سفالهای نیم‌پخته و سست دهکده دوران نوسنگی گنج‌دره هرسین را مد نظر قرار داد. آقای صادق ملک شهپیرزاد، استاد باستان‌شناسی ایران، می‌نویسد: قطعه سفال غار کمربند از لایه ششم کف غار به دست آمده و اولین تولید سفال در فلات مرکزی است.

لایه زیرین ششم در غار کمربند (بدون سفال) و سفال یافت‌شده در لایه زیرین، اولین تولید سفال است که ساده، خشن، پوک و آمیخته با گاه و بدون نقش بوده و سفال زاغه را ادامه آن دانسته‌اند.

میدان باستانی بسیار معتبر دیگری وجود دارد که از آغاز نوسنگی تا عصر آهن ۱۱ ایران مورد بررسی قرار گرفته و به نام تپه سیلک کاشان واقع در حاشیه کویر شهرت دارد. کاوشگران سفالهای به‌دست آمده از این تپه‌ها را در چهار لایه و گروه طبقه‌بندی کرده‌اند.

سوابق هنر نقاشی روی سفال در عهد نوسنگی و قبل از تاریخ

سابقه هنر نقاشی از جانوران شکار را باید در واپسین عهد پارینه‌سنگی در قاره‌های اروپا و آفریقا جست‌وجو کرد که انسانهای غارنشین جانوران عظیم‌الجثه‌ای مانند ماموت و گاو وحشی، اسب و گوزن شمالی را روی صخره‌ها و دیواره‌ها و سقف غارها می‌کشیدند و تنها با خطوطی ساده به این مجموعه‌ها حیات و حرکت بخشیده‌اند. این نقاشی‌ها هنر مردمی است که از شرق به دنبال حیوانات و شکار به اروپا رفته‌اند. ضمن آنکه با تولید سفال در عصر نوسنگی در فلات مرکزی ایران، بوم نقاشی جدیدی به دست هنرمند افتاد که بر خلاف اعصار گذشته، قابل حمل و نقل بود و هنرمند به جای نقش اندازی بر دیواره و پیکره سترگ غار، در هر فرصتی و



حتی به هنگام فراغت از کار، قادر بود سفالینه‌ها را به نقش و رنگ بیاراید و آمال و آرزوها و پیامهای خود را که سرشار از نیازهای ذهنی، غریزه‌های نفسانی و نیز احساس زیبایی‌شناختی بود، به هزاره‌ها و زمانهای بی‌انتها انتقال دهد. خطوط و نقاشیهای روی سفالینه‌ها، مفاهیم و معانی در پی داشتند که در قالب نشانه‌ها و علایم پیام خود را می‌رساندند. برای مثال، دو خط موج موازی نشانه آب رودخانه مثلثها و مربعهای شطرنجی ننده، نشانه زمین زراعتی ر لچکهای مکرری که تارک آنها بالا و در گردگرد ظروف ترسیم می‌شد، نشانه کوهها و دره‌ها بودند. هر خط و نقشی به سادگی و روانی آب زلال، صاف و بی‌غش و پر از معناست. نقوشها تقلید صادقانه‌ای از طبیعت اطراف و محیط زیستند که از درون و جان سفالگران تراوش کرده است. طرحهای دوره نوسنگی، اندام انسانی و حیوانی را فقط با دو سه خط هندسی تصویر می‌کنند، یک خط عمودی برای بدن و دو خط منحنی برای دستها و پاها که یکی رو به بالا و دیگری مایل به پایین است. در حقیقت هنر سفالگری ایران در دوره نوسنگی تجریدترین هنر در نوع خود است.

سفال در آغاز شهرنشینی با پیدایش خط و آغاز شهرنشینی، سفال منقوش، که قبلاً با تمثیل و تجرید پیامهای جوامع کوچک کشاورزی و سکارچی را انتقال می‌داد، ارزش نصادیق خود را از دست داد.

با ورود بین‌النهرین به دوران ادبیت، طی نیمه دوم هزاره چهارم قبل از میلاد، تغییراتی در جوامع به‌وجود آمد و دوره اوروک شاخص یکی تغییر فرهنگی سریع از دوران مس به برنز گردید و تمام عوامل تشکیل‌دهنده بنیادی شهری از قبیل تمرکز، تشکیلات اداری و بازرگانی فراهم آمد. این شکل‌گیری پایه‌های بین‌النهرین در سایر نقاط آسیای غربی نیز صورت پذیرفت؛ تشکلهای جوامع شهری در ایران بارواج الواح سومری بین‌النهرین و ورود الواح گلی پیش ایلامی و مهرهای استوانه‌ای و متعاقباً ظهور کاسه‌های لبه وارپخته در میادین دشت خوزستان، نوش ۱۱ چغامیش و ابوفندوا در شرق رود دز مقدمات شهرنشینی در این میادین فراهم می‌شود.

سفال نخستین اثر باستانی قابل دسترس است که به کمک آن می‌توان موقعیت جوامع شهری و روستایی را باز شناخت. مقایسه توزیع سفال در دوره‌های اوروک میانی و جدید، به‌ویژه در مناطق شمالی شوش و چغامیش نشان می‌دهد که چند درصد از سکونت‌ها

افزایش یا کاهش یافته است. در نتیجه می توان از نظر آماري جمعیت یک منطقه مسکونی را تعیین کرد. شوش بین سالهای ۴۲۰۰ تا ابتدای هزاره اول قبل از میلاد، مرکز اصلی جلگه خوزستان و تمامی جنوب غربی ایران بوده است.

در ۱۹۳۶ میلادی سر اورل استین طی بررسیها و کاوشهای باستان شناسی از ناحیه مکران تا بلوچستان در حوزه رودخانه بمپور، طی کاوشهای اولیه، قطعاتی از سفالینه های ظریف خاکستری رنگ و منقوش را به دست آورد و آنها را در دوره کالکولیتیک طبقه بندی کرد. نقوش سفالینه ها عبارت بودند از شطرنجها، هاشورهای که در فواصل خطوط موازی نقش حیوانات شاخداری، مثل بز کوهی، تصویر شده بود.

طی دو بررسی باستان شناسی در جنوب کرمان نیز سفالینه های منقوش دیگری به مجموعه سفالینه های شناخته شده در جنوب و جنوب شرقی ایران و بلوچستان در هزاره چهارم قبل از میلاد، سه سنت عمده را در زمینه تولید سفال تعریف کرده است:

۱- در تمامی مناطق شمال شرقی و حاشیه کویر، سفالی رایج بوده است که دارای لعاب گلی غلیظ قرمز رنگ اخرايي و نقوش سیاه و قهوه ای بوده است، درست قرینه سفالی که در آنو IA حصار ۱ و سیلک II، چشمه علی IA-IB، زاغه VIII-1 و سپس در اسماعیل آباد و قره تپه شهریار وجود داشته و ادامه یافته است.

۲- سفالینه های دیگری با ترکیبات خاص و خمیره و پوسته نخودی رنگ منقوش با تزئینات سیاه و قهوه ای، که بیشتر به صورت اشکال هندسی، جانوری و انسانی یافت می شوند، معرف سنت دیگری هستند که در تمامی بخشهای جنوبی زاگرس اشاعه یافته است.

۳- انواع دیگری از سفالهای نخودی رنگ با نقوش هندسی و دورنگ در مناطق وسیعی از بلوچستان، دره هلمند و موندیگک الف II و III به دست آمده است.

به موازات پدیدار شدن نخستین نشانه های شکل گیری شهرها، تنها تغییری که در تولید سفال به وجود آمد، افزایش تقلید در ترکیب و تزئین سفال بین مناطقی بود که به سرعت در حال تحول بودند. چنین وضعی را می توان در شهر سوخته مشاهده کرد که سفالهای تولید شده معمولی آنجا در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد شامل انواع محصولات گرگان، نال بلوچستان و جنوب شرقی ایران بود. در طی دوران شهرنشینی، سفال منقوش به کلی ناپدید گردید و تزئینات سفال در نهایت به صورت عناصر نقشی خلاصه شده یا ترکیب حیوان و انسان و اندامهای مختلف و متنوع تمثیلی و

تجربیدی و طبیعی درآمد.

اطلاعات مربوط به آغاز دوره شهرنشینی درباره فرهنگهای پیش از تاریخ فلات مرکزی، محدود به تپه قبرستان در دشت قزوین، تپه سیلک، که همزمان با دوره دوم قبرستان و نیز تپه حصار دامغان است، و چرخ سفالگری در همین فرهنگها اختراع شده است.

سفالگری و کوره های پخت سفال

پدیده سفال خاکستری - سیاه سفالگری و پخت سفال خاکستری - سیاه از نیمه هزاره سوم قبل از میلاد آغاز شده و تا نیمه هزاره اول قبل از میلاد ادامه یافته است. سفالینه های خاکستری - سیاه که از سفالهای رنگین و منقوش ادوار کهن بهتر و مقاومتر ساخته شده اند، با اقوام مهاجر حرکت کرده و جای سفالینه های نقشدار مردمان پیشین را گرفته و آثار خود را در گورستانهای مسیر حرکت بر جای نهاده است. میدانهای باستانی شناخته شده این پدیده فرهنگی، بیشتر در فلات مرکزی ایران است و از شمال شرقی و همچنین شمال غربی شروع شده، تا حوزوین، سیلک و قیصریه امتداد یافته است. سر پلهای ملواری مرزهای سیاسی معنی این پدیده عبارت اند از: مرو (مرگیانه)، زمین بابا (بخارا - فرغانه)، آسیای میانه و مسیر جاده ابریشم و در شمال غربی، ماوای قفقاز، اورارتو، کوبان و کلرمس.

این مردم اولیه و مهاجر، فاقد فن معماری مسکن و نیز معماری گورها بوده اند، از اشتغال آنان به کشاورزی اطلاعی در دست نیست، زیرا مدرکی بر جای نگذارده اند، فاقد ابزار آهنی و اربابه بوده اند و از آثاری که در گورها به دست آمده، مسلم است که دامدار بوده اند. مشابه این آثار در گورستان دوره V حسنلو و گوق تپه B نیز کشف شده است.

برخی از باستان شناسان معتقدند که این سفالینه ها از مبدأ حرکت انتقال یافته اند و بعضی بر عکس بر این باورند که سفال نمی تواند به تنهایی حرکت قوم را ترسیم کند.

مشخصه سفال خاکستری - سیاه

از نظر اندام شناسی، مقوله مفید و زیبا بودن و مقاوم بودن در برابر آتش سرکش و تبلیغ اندیشه های درونی و آیینی یکی از خصیصه های سفال خاکستری رنگ است. سفالگران شش هزار سال پیش شوش، پاکون، چشمه علی، حصار و سیلک انتقال پیام خود را با رنگ و ثبت نقشهای سحرانگیز جانوران و پرندگان شکار بر بدنه سفالینه ها آغاز کردند و سفالگران سه هزار سال



پیش اندیشه‌ها و پیامی‌های خود را با ارائه ترکیب و اندام ظروف خاکستری و یا یک رنگ، خالد و جوادان کرده‌اند. سفالینه‌های خاکستری - سیاه با رنگ غرانگیز خود بسیار سخت و مانند ظروف ساخته شده و دارای پوسته صیقلی‌اند و مانند ظروف فلزی می‌درخشند. این ظروف قابلیت آن را دارند که روی اجاق قرار گرفته و آب را جوش آورند و نیز انواع غناها و حبوبات را بدون آسیب دیدن از شعله سرکش آتش طبخ کنند.

ترکیبات فیزیکی و شیمیایی خاک رس

مواد تشکیل دهنده رسها، بلورهای متشکله در سنگهای آتشفشانی شامل کانیهای فلدسپات، کوارتز، میکا، کلسیت و سیلیس است. گل رس، حاصل ته‌نشست کوچکترین خرده‌های تولید شده در اثر هوازدگی صخره‌های فلدسپاتر است. فلدسپات به نوعی سیلیکات آلومینیم اطلاق می‌شود که عناصر سدیم و پتاسیم در خود داشته باشد و کاتولن نیز نامیده می‌شود. فرمول شیمیایی آن $2\text{H}_2\text{O}$ و 2SiO_2 و Al_2O_3 است. فلدسپاتها تحت فرسایش فیزیکی و شیمیایی از قبیل باد و باران و رطوبتهای حاصل از درون زمین هوازده و تجزیه شده و در کنار صخره‌ها انباشته گردیده، به وسیله آب رودخانه و باران جابه‌جا شده و در جریان تندآبها، پس از دریافت ناخالصیهایی در بستر و کناره رودخانه‌ها، ته‌نشین می‌گردد. خاک رسی که در کنار صخره فلدسپات (صخره مادر) ایجاد می‌شود، کاتولن نام دارد.



این کاتولن در اثر بارندگی و طغیان آبهای فصلی و مستمر انتقال یافته، در جریان مسیل، انواع مواد دیگر از جمله آهک، آهن و سایر ناخالصیها را نیز دریافت می‌کند. یکی از خصوصیات خاک رس، چسبندگی آن است و هر چه ذرات رس ریزتر باشد، چسبندگی آن نیز بیشتر است. وقتی که خاک رس پخته شود، خاصیت سختی و استحکام خود را برای همیشه حفظ می‌کند. به منظور استحکام ظروف سفالین کهن، از خاکهای رس ماسه‌دار استفاده به عمل می‌آوردند و در صورت نبود خاک رس ماسه‌دار، با افزودن ماسه به رس، دوام عالی به آن می‌بخشیدند. بنابراین سفالگران باستانی به این امر واقف بوده‌اند و بر اثر آزمایشات کارشناسان، نوعی مواد آلی کشف کرده‌اند به دوغاب رس افزوده می‌شده تا باعث در هم آمیخته شدن عناصر سازنده رس و تشکیل پوشش حفاظتی به عنوان ماده چسبنده تمیز شود. ترکیب کردن سفیده تخم مرغ، شیره انگور، سیوس

برنج و گندم به سفال نیز کاربرد داشته است. تکنیک و روش سفالگری شامل دادن به سفالینه‌ها با چرخ دوار سفالگردان با حرکت کف دست و انگشتان و فشردن و آزاد ساختن چانه گل رس انجام می‌شد. صفحه گردان توسط خود سفالگر با پا یا به وسیله شاگرد او چرخانده می‌شد. سفالها در اندام حیوانات یا انسان با قالبهای گلی شکل داده می‌شده‌اند.

موضوع دیگر درخشندگی جداره و پوسته سفالینه‌هاست. صیقل دادن هدفمند بوده و به زمان دوره نوسنگی برمی‌گردد. برای جلا دادن سطح، این مصنوعات را پس از شکل پذیری با دوغاب جوشان گل رس محتوی کوارتز و سیلیس، در رنگهای مختلف اندود می‌کردند، یا در این دوغاب فرو می‌بردند تا لایه نازک و یکنواختی جداره آن را بپوشانند. سپس سطح سفالینه را با پرپردگان، که مانند قلم موئی بعضی از نقاط را پر می‌گیرد، پرداخت می‌کردند و پس از خشک شدن آن را مجدداً در حرارتی معین می‌پختند و سپس با مالش به آن جلا و درخشندگی می‌بخشیدند. این تزئینات علاوه بر زیباسازی، دارای معنا و مفهوم بوده است.

سفال دوران ایلام میانی و جدید

در سال ۱۹۲۸ میلادی، دونالد مک کان از طرف موسسه شرق شناسی شیکاگو، سرزمینهای واقع در بین کارون و رشته کوههای بختیاری و حوضی خلیج فارس در جنوب را بررسی کرد. وی در ناحیه بهبهان و اطراف بندر دلم، آثار متعددی یافت و طی گمانه‌های آزمایشی موفق شد قلمه‌ای ایلامی مربوط به هزاره دوم پیش از میلاد را بیابد و در لایه زیرین، ویرانه‌های قلعه، آثار ایلامی را کشف کند. قدیمیترین بقایای فرهنگی متعلق به دوران ایلام میانی در هفت تپه خوزستان شناسایی شده است که مربوط به مجموعه آرامگاه «تپتی - آهار» به طول تقریبی ۷۰ و عرض ۳۰ متر است و تماماً از آجر و خشت ساخته شده است. سفالینه‌های مکشوفه از معبد هفت تپه شامل چند دسته ظروف در ترکیب و رنگهای متفاوت است.

سفالینه‌ها و کاشیهای لمبادار دوره هخامنشی

این سفالینه‌ها در تخت جمشید، شوش، همدان یا سرزمینهای هخامنشیان، که امروزه خارج از مرزهای سیاسی فعلی است، یافت شده‌اند. سفالها به تبع دوران تاریخ، دارای نقوش و خطوط خلاصه رنگین بوده یا به صورت تجسم حیوان و انسان در ترکیب ظروف درآمده‌اند. سفالها با خمیره زرد، قرمز، قهوه‌ای سوخته، خاکستری،

سیاه و در اندامی ساده یا متکلف ساخته شده‌اند. در کاوشهای تخت‌جمشید و اطراف آن، سفالینه‌های لمبادر و بدون لماب و نیز ظروف سنگی فراوان یافت شده که برخی از آنها در موزه ایران باستان موجود است. مجموعه آثار هخامنشی از ارزش و لایه‌ی برخوردارند. کاشیهای لمبادر در تخت‌جمشید و شوش نیز کشف شده که زینت‌بخش موزه‌های لوور است. علت کمبود ظروف سفالی در دوران هخامنشی و عدم شناسایی و کشف آن در ساختمانها و مکانهای زیست مردم عادی، روستاییان، سربازان و خدمتکاران این بوده است که ابزار و لوازم زندگی مجلل مانند جام برنز، نقره و طلا در دسترس نداشتند. آب را در کوزه و کاسه گلی می‌نوشیدند و از نظر معیشت و زندگی اقتصادی، با طبقه حاکم و دربار فاصله داشتند. هنر دوران هخامنشی، هنری شاهانه بود. توسعه این هنر تجملی محدود به دربار و اجتماع خصوصی و محدود آن بود. علاقه به ظروف طلا و نقره و سنگهای حجاری شده و لاجورد و... باعث شده بود که توجه به سفال کم شود و...

سفال در دوره ساسانی

سفال در دوره ساسانی بیشتر مربوط به محوطه هاست و بناها و در قبور این دوره کمتر اثری بر جای نهاده‌اند، زیرا قبور این دوره به صورتی بوده که اجساد را به منظور ریزش کامل گوشتها و دفع فساد در فضای باز بالای صخره‌ها قرار می‌دادند و سپس استخوانها را در منسوجی پیچیده و در این استودانها، که از خمره‌ها و تابوتهای سفالی یا چوبی ساخته شده بودند، دفن کرده و در کمره کوهها، حفره‌ها و درون صخره‌ها یا خاک دفن می‌کردند. سفالینه‌های مکشوفه بیشتر قطعات شکسته در محوطه‌ها و بناها هستند که به یکدیگر متصل شده‌اند. در دوره ساسانی تولید و صنعت به طور کلی بسیار درخشید و هنر و صنایع به اوج کمال خود رسید. کاملترین تجلی هنر ساسانی در حجاری و ایجاد نقش بر صخره‌هاست که به منظور تجلیل از پادشاهان ساسانی و نمایش پیروزی آنان بر سلاطین روم است.

صنایع ساسانی یکی ایجاد سبک و اسلوب جدید در تزئین بنا و نمای ساختمان با گچبری و گل و گیاه است. هنرهای کاشیکاری، مرقع‌کاری و موزاییک و کاشیهای لمبادر در این دوره به کمال خود رسید.

سفال و سفالگری دوران اسلامی

دین اسلام با بستر فرهنگی وحی و ندای آسمانی قرآن، به شکوفایی و بالندگی تمامی زمینه‌های علم و هنر یاری رساند. سفال‌سازی نیز پایه‌ی سایر زمینه‌ها، بر

بزرگترین نتایج کوششهای دانشمندان ایرانی در زمینه کیمیاگری، شکوفایی هنر سفالگری بود. سفالگران چیره‌دست با خاک رس و آمیختن و پختن و افزودن موادی به آن، توانستند ظروف زرین‌فام را خلق کنند، ظروف زرین‌فامی که تنها با چند لماب از اکسید قلع روی پوسته سفید در کوره‌ای دودآلود، لایه‌ای فلزی و زرین روی پوسته ایجاد می‌شد. هنرمندان سفالگر این دوره از هر نقش و پیکره برجسته و سه‌بعدی، نقش افزوده، نقش کنده یا قالب خورده و نیز صحنه‌ها و داستانهای حماسی تجسم یافته در روی ظروف طلا و نقره الهام گرفتند و ترکیبات و نقشها را به سیاق و منشا اسلامی

در ظروف سفالین لمبادر و زرین‌فام و مینایی پیاده کردند. از لماب شیشه‌ای پوشش شفاف یا مات استفاده می‌کردند که علاوه بر زیبایی و درخشندگی، سفال را نیز غیرقابل نفوذ می‌کرد. این لماب شیشه‌ای از دوران ایلامی، مادی، مانتایی و هخامنشی و پارتی و ساسانی مورد استفاده بوده است. لمابها بستگی به درجه پختشان سخت یا نرم بودند. لمابهای سربی، نمکی و... به کار می‌رفتند. روی لمابها نقوشی نیز انجام می‌شد.

سفال و چینی در طی دو قرن تا پایان دوره قاجاریه عموماً تحت تاثیر عرضه فراوان کالاهای مشابه و وارداتی توان رقابت را از دست داد و به تدریج به انزوا کشیده شد، تا جایی که رفته رفته تکنیک و شیوه‌های هنر سفالگری متعالی و کهن نیز از خاطر و یاد سفالگران زدوده شد.

از هم‌گسستگی این صنعت، همچنان تا دوران معاصر ادامه یافت و از آن همه شکوه و جلال سفالگری تمدن اسلامی، تنها کوره‌های ابتدایی و ویران بر جای ماند که با سوخت متداول مانند چوب، خار میغان و گاه آتش پخته می‌شدند.

منابع

۱. کاشبخ فر، سیف‌الله، سفال و سفالگری در ایران
۲. کریمی، فاطمه، هنر سفالگری دوره‌های اسلامی ایران

